مردم سالاری

حاکمیت حق مردم است

روزنامه اجتماعی - سیاسی - فرهنگی و اقتصادی

صاحب امتیاز: حزب مردم سالاری
مدیرمسئول: مصطفی کواکبیان
نشانی اینترنتی: www.mardomsalari.net
نشانی تلگرام: mardomsalaridaily
نشانی اینستاگرام: mardomsalaridaily1
آدرس تحریریه: اتوبان شیخ‌فضل‌الله نوری شمال به جنوب
خروجی خیابان سازمان آب - خیابان حاجی‌پور امیر - کوچه چهارده - پلاک ۱
تلفن: ۲۹- ۸۸۲۸۸۲۲۶
فکس: ۸۸۲۶۳۰۹۴
رتبه روزنامه: ۳
چاپ: نشر ریحان - تلفن: ۶۵۶۰۷۹۱۷

اذان صبح: ٤/٣٤ طلوع آفتاب: ٦/١٠ اذان‌ظهر: ١٣/٠١ اذان مغرب: ٢٠/١٢
پنجشنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۰ - ۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۳ - ۱۱ نوامبر ۲۰۲۱ - شماره ۵۵۷۵

حدیث روز

حضرت محمد(ص):
بیماران را عیادت کنید و بگوئیدشان که برای شما دعا کنند که دعای بیمار مستجاب و گناه او آمرزیده است.
(نهج‌الفصاحه)

نگاه

پیام حضور احمد مسعود در ایران

عبدالرضا فرجی راد*

برخلاف انچه که پیش‌بینی می‌شد طالبان بتوانند امنیت و ثبات را به افغانستان باز گردانند، مشخص شده که انتظاری معقولی به نظر نمی‌رسد. از سویی عملکرد خود طالبان موجب بی‌نظمی و ناامنی شده به طوری که کمتر روزی به اتمام می‌رسد که قتل و کشتاری توسط نیروهای طالبان صورت نپذیرد. چند روز پیش در مزار شریف ۴ نفر از خانم‌های طرفدار حقوق زنان که اتفاقا یکی از آنها از اساتید دانشگاه بلخ بوده اند کشته و جنازه‌های مقتولین در گودالی انداخته شد. در همان روز دو نفر از نظامیان زن سابق به همراه دو تن از بستگانشان در خانه مورد حمله سربازان طالبان قرار گرفتند و کشته شده‌اند. با توجه به تعداد زیاد نیروهای ارتش سابق افغانستان به نظر می‌رسد کشتار آنها که از همان روزهای اول پیروزی طالبان اغاز گردید ادامه پیدا و...

از سوی دیگر قدرت گیری روز افزون داعش در افغانستان خود خطری بزرگ هم برای امنیت افغانستان و هم برای تثبیت حاکمیت طالبان به شمار می‌رود.

قبلا که داعش با نیروهای تخمینی ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ نفره خود که در دو ولسوالی شرقی فعال بودند حالا میدان فعالیت خود را به چند شهر دیگر و از جمله دو شهر بزرگ قندهار و کابل گسترش داده‌اند.

گفته می‌شود که بعضی از نیروهای ارتشی بخاطر نجات جانشان از انتقام گیری طالبان به داعش پیوسته اند و همین امر بر قدرت آنها و گسترش حوزه نفوذشان افزوده است.

هر چند این احتمال داده می‌شود که بعضی نیروهای تندروی طالبان بعد از پیروزی به حکومت دلخواهشان نرسیده و با داعش پیوند خورده اند. علاوه بر آن ایغورهای خشن سین کیانگ و نیز گروهای تندروی ازبکستان همچون حرکت اسلامی ازبکستان نیز با آنها همکاری می‌کنند.

احتمالا با شروع پروژه‌های عمرانی همچون جاده سازی،خانه سازی،ایجاد خطوط آهن، استخراج معادن و ایجاد خط لوله گاز تاپی که قرار است توسط چینی‌ها و پاکستان صورت پذیرد فعالیت داعش برای خرابکاری بیشتر را در اجرای پروژه‌ها شاهد باشیم.

از طرف دیگر طالبان تکلیف خود با چند همسایه و کشورهای نزدیک به افغانستان روشن نکرده است. در حالی که رابطه با پاکستان، چین و ترکمنستان به خوبی پیش می‌رود و تکلیف رابطه با ایران، تاجیکستان و ازبکستان مشخص نیست.

طالبان علاقمند توسعه رابطه با ازبکستان است و حتی وزیر خارجه آن کشور هفته گذشته با مقامات ارشد طالبان در کابل ملاقات و گفتگو نمود ولی به خاطر حضور گروه‌های تروریستی ازبک در افغانستان و عدم اراده قوی طالبان برای سرکوب و یا تحویل آنها طبیعی است که ازبکستان این رابطه را عمیق تلقی ننماید.

روابط طالبان با تاجیکستان نیز تیره است و می‌توان گفت در میان همسایگان بدترین رابطه را با این کشور فارس زبان دارند. البته شاید بتوان گفت که بی میلی به توسعه رابطه بیشتر از سوی تاجیکستان باشد زیرا که تاجیک‌ها پس از سپری کردن یک دوره جنگ داخلی خونین با گروه اسلام گرا و ایجاد ثبات نسبی در کشور مجدا نمی‌خواهند از طریق ارتباط نزدیک با طالب‌ها کشور خود را در بحران ببینند بویژه آن که در سال‌های اخیر تاجیکستان مسیر توسعه را طی می‌کند و بی‌ثباتی سمی خواهد بود که به این امر ضربه اساسی خواهد زد و سرمایه گذاران را فراری خواهد داد.

همچنین دولت و مردم تاجیک بخاطر همزبانی و هم فرهنگی با فارس زبانان افغانستان برایشان آسان نیست که تعصب قومی طالبان علیه فارس زبانان را تحمل کنند.

رابطه طالبان با جمهوری اسلامی ایران نیز هنوز وضعیت مشخصی پیدا نکرده است.

از سویی مسئولین ایرانی سیگنال‌های مثبت برای اطمینان بخشی ارسال می‌نمایند ولی سیگنال‌های طرف مقابل مثبت و منفی است. مثلا در مورد کنفرانس اخیر در تهران طالبان آن را برای افغانستان مثبت ارزیابی کرد ولی در زمینه برخورد با شیعیان و فعالیت‌های اقتصادی و زیر ساختی با ایران شوقی همچون چین، پاکستان، ازبکستان و ترکمنستان از خود نشان نمی‌دهند.

شاید بتوان گفت که حضور اخیر احمد مسعود در مشهد و ملاقات با اسماعیل خان نوعی عکس العمل از سوی ایران تلقی نمود که به طالبان فهمانده شود رفتار غیر دوستانه می‌تواند با عمل متقابل همراه باشد.

شاید احمد مسعود با موافقت پرزیدنت رحمان سعی می‌کند که اسماعیل خان را ترغیب کند در دوشنبه برای همراهی‌های بیشتر مستقر شود که با توجه به روحیه اسماعیل خان و داشتن خانه و کاشانه در مشهد و نزدیکی به هرات این درخواست اجابت نگردد و شاید هماهنگی‌هایی مشورتی برای گسترش فعالیت جبهه مقاومت وی را به مشهد کشانده است.

در مجموع باید گفت که طالبان برای ایجاد صلح وثبات در افغانستان راه درازی را در پیش دارد و موفقیت آنها تضمین شده نمی‌تواند باشد.

یکی از دلایل اصلی ان رفتار دوگانه خود طالبان و نیز تعصب روی سیاست‌هایی است که از ابتدا در پیش گرفتند و به رغم توصیه‌های کشورهای نزدیک به خود برای ایجاد تغییر آمادگی لازم را نشان نمی‌دهند.

***استاد ژئوپلیتیک**

منبع: خبرآنلاین

طرح روز

مهدی عزیزی - خبرآنلاین

از میان شهرهای بزرگ کشورهای مختلف در زمینه نسبت قیمت مسکن به درآمد خانوار تهران چهارمین شهرگران دنیا در قیمت مسکن شد

داستان هفته

خانه پدری

علی یار زارعی

ازکوچه پسکوچه‌ها می‌گذرم، از کوچه‌های تنگ و باریک. کوچه‌ها، گرد فراموشی گرفته، کوچه‌های فراموش شده در غبار زمان. درلابلای خطوط به هم فشرده ذهنم، خاطره‌های گذشته را جستجو می‌کنم. خاطره‌های به یادماندنی اما فراموش شده در پستوی زمان. غبارها را از رویشان پس می‌زنم تا دوباره با به یادآوریشان شادی کوتاه و گذرایی را حس کنم و لبخندی شادمانه بر روی لبانم بنشیند. خانه پدری در یکی از همین کوچه ها بود. خانه‌ای قدیمی با حیاطی دنگال و چندین اتاق دور تا دور. حوضی میان حیاط بود و درخت سپیدار بلند و تناوری که شاخه و برگ هایش به همه جا گسترده بود و افشان شدنشان بر روی دیوار خانه سایبانی ساخته بود برای رهایی از گرمای طاقت‌سوز تابستان. ریشه‌های درخت به همه جا کشیده شده بود و سنگفرش حیاط را ترکانده بود. شوق دیدن آن محل و جای خانه پدری که حالا نیست، خراب شده و نمی‌دانم چه شده، دلم را به شورانداخته و گذر لحظه‌ها را برایم تند و پرشتاب کرده. از کوچه کسی نمی‌گذرد. خلوت است و بی سروصدا. سکوتی سمج بر همه جا سایه انداخته. پدر را می‌بینم که آهسته و آرام با کتابی به زیر بغل از انتهای کوچه سلانه، سلانه می‌گذرد. کودکی خردسال به دنبالش می‌دود. پدر با مهربانی با او حرف می‌زند لبخند می‌زند و حرف می‌زند و کودک به حرف هایش گوش می‌دهد. پدر که دیگر حرف نمی‌زند و نگاهش می‌کند کودک حرف می‌زند. صدای هر دو را از ورای زمان می‌شنوم. دست کودک را می‌گیرد و آرام، آرام او را با خود می‌برد. به کودک نگاه می‌کنم، به خطوط چهره‌اش. چه شباهتی به من دارد؟! گویا خود من است، کودکی های خود من. صدای پایم در آن کوچه بی‌رهگذر و در سکوت پنجه کشیده بر در و دیوار، نغمه آوایی است حزن انگیز و دردآور. از خم آخرین پیچ که می‌گذرم پاهایم از رفتن باز می‌مانند. به روبه رو چشم می‌دوزم. می‌اندیشم آیا درست آمده‌ام؟ آیا خانه ما در انتهای همین کوچه بود؟ پس خانه ما کجاست؟ خانه پدری ما با آن حیاط بزرگ چه شد؟ به خانه‌های همسایه ها نگاه می‌کنم. همه هستند اما خانه ما نیست. درست آمده‌ام. خانه ما همین جا بود. همین جا که حالا ساختمانی چند طبقه است. حالا دیگر از آن حوض میان حیاط، آن درخت بلند سپیدار که شاخه و برگش سایبانی شده بود بر حیاط خبری نیست. دلم آشوب می‌شود. بغض، بغض نفس‌گیر راه گلویم را می‌بندد. به ساختمانی که رو به رویم قد برافراشته نگاه می‌کنم. انگار از پس سال‌ها، سال های رفته و بازنگشتنی، خودم را می‌بینم و خواهر و برادرم را که جست و خیز کنان دور حیاط می‌چرخیم و فریادهامان، فریادهای شدمانه‌مان در حیاط و زیر سقف آبی آسمان طنین می‌اندازد. صدای مادر را می‌شنوم که مضطرب و نگران با صدایی بلند و رسا می‌گوید «بچه ها مواظب باشید نیفتید توی حوض». غم، غمی عذاب‌آور در رگ و پی‌ام می‌دود. سست و بی‌حال می‌شوم. انگار کوهی بزرگ، انگار جسمی سنگین را بر دوشم گذاشته‌اند. پدر را می‌بینم که در دل شب، در سکوت شبانه، کنار پنجره نشسته قلم به دست چیزهایی می‌نویسد. همه اهل خانه خوابیده‌اند و او در این سکوت فرصتی یافته تا قلم به دست بگیرد و داستانی بنویسد. گاهی سرش را بالا می‌آورد، فکر می‌کند و دوباره می‌نویسد. او عادت داشت شب‌ها که همه خوابیده‌اند و سکوت بر همه جا سایه انداخته کنار پنجره بنشیند و بنویسد. یک لحظه به خود می‌آیم. پدر نیست، پنجره نیست و آن خانه با حوض میانش و درخت بلند سپیدار نیست. به ساختمان بلند قد برافراشته به آسمان نگاه می‌کنم. می‌اندیشم «آیا اینجا خانه ما بود؟ پدرم و پدربزرگم درهمین جا به دنیا آمدند؟ آیا من در این‌جا به دنیا آمدم؟ دراین جا بزرگ شدم؟ تمام خاطره‌های کودکی و نوجوانی من در این خانه است؟ حالا دیگر از آن خانه اثری نیست. از آن خاطره‌ها اثری نیست. پدر آن گاه که در بستر دراز کشیده بود، آن گاه که دیگر توانی نداشت و همه می‌دانستند که دیر یا زود دنیای ما را ترک می‌کند آرام با صدایی گرفته و ناتوان از ضعف و بیماری گفت «بچه‌ها این خانه پدری است. نگهش دارید. پدرم در این خانه نقاشی‌های بسیاری کشیده، نقاشی‌هایی که الهام گرفته از فضای همین خانه است. بسیاری از فضاهای داستان‌های من هم الهام گرفته از همین خانه است. بگذارید این خانه بماند. می‌تواند فرهنگسرا شود؛ می‌تواند محلی فرهنگی شود». یک روز برادرم با مردی به خانه‌مان آمد و گفت «این آقا می‌خواهد خانه را بخرد، بکوبد و آپارتمان بسازد». نمی‌توانستم درمقابل خواست دو نفر کاری کنم. حالا من مانده‌ام و خانه‌ای که دیگر نیست و خاطره‌هایی که در لابلای غبار زمان به فراموشی سپرده می‌شوند.

دانستنی‌ها

ایجاد حس «دورنوردی» در مغز با استفاده از امواج لیزر!

محققان «کالج دانشگاهی لندن» در مطالعه ای اظهار کرده‌اند می‌توان مغز را با استفاده از پرتوهای لیزر طوری دستکاری کرد که به رقم تغییر مکان تصور کند در مکان قبلی قرار دارد.

به گزارش ایندیا تودی، محققان انگلیسی اخیرا آزمایشاتی را بر روی موش‌ها انجام داده‌اند تا درباره حافظه و نحوه کار مغز انسان اطلاعات بیشتری کسب کنند.

طبق مطالعه منتشر شده در مجله «Cell»، محققان دریافته‌اند که پرتوهای لیزر می‌توانند به سمت هیپوکامپ مغز فرستاده شوند. هیپوکامپ قسمتی از دستگاه لیمبیک مغز است که مرکز یادگیری است و انگیزه، احساسات، یادگیری و حافظه را تنظیم می‌کند.

سلول‌های مغز با ورود حیوان یا انسان به یک محیط جدید فعال می‌شوند و آن مکان را در حافظه ذخیره می‌کنند. طی این مطالعه محققان تصمیم گرفتند موش‌ها را در یک مکان نگه دارند و به آنها آب قند بدهند.

آنها سپس موش‌ها را به مکانی دیگر بردند و از پرتوهای لیزر برای فعال سازی سلول‌های مغزی که مکان اول را ذخیره کرده بودند استفاده کردند. محققان دریافتند موش‌ها سعی کردند مجددا به دنبال آب قند بگردند گویی که در مکان اول قرار دارند.

دکتر «نیک رابینسون»(Nick Robinson) از کالج دانشگاهی لندن گفت: این نتایج نشان می‌دهد که موش‌ها برای هدایت رفتار خود از اطلاعات ارائه شده بوسیله فعالیت سلول مکانی استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، سلول‌های مکانی به موش‌ها می‌گویند که در کجا قرار دارند و موش‌ها هنگام تصمیم گیری به سلول‌های مکانی خود گوش می‌دهند. این امر بینش جدیدی درباره نحوه ذخیره سازی خاطرات در مغز ارائه می‌دهد و همچنین به توسعه ابزارهای جدید برای دستکاری خاطرات در مغز که بر رفتار موجودات تاثیر می‌گذارد، کمک می‌کند. سلول مکانی نوعی نورون هرمی درون هیپوکامپ است که با وارد شدن موجودات به مکانی خاص در محیط خود، که به عنوان میدان محل شناخته می‌شود، فعال می‌شود. به نظر می‌رسد سلول‌های مکانی به صورت جمعی یک بازنمایی از مکانی خاص در فضا را می‌سازند که به عنوان یک نقشه شناختی شناخته می‌شود. سلول‌های مکانی با انواع دیگر نورون‌ها در هیپوکامپ و مناطق اطراف کار می‌کنند تا این نوع پردازش مکانی را انجام دهند. آنها در حیوانات مختلفی از جمله جوندگان، خفاش‌ها، میمون‌ها و انسان‌ها یافت شده‌اند.

قاب

خبرگزاری آناتولی

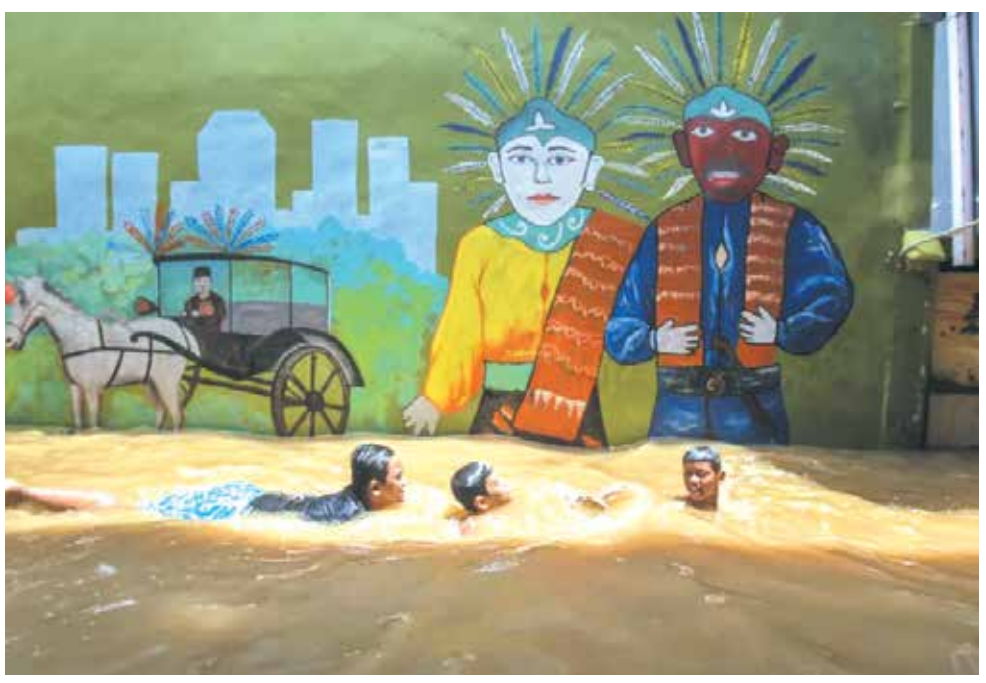

شنا کردن در سیلاب شهر جاکارتا اندونزی

فناوری

نخستین بازیابی یک پهپاد گرملینس در هوا

آژانس تحقیقات پیشرفته دفاعی آمریکا برای اولین بار با موفقیت یک پهپاد گرملینس را در حال پرواز بازیابی کرد که این اتفاق، یک دستاورد مهم برای ارتش آمریکا به حساب می‌آید.

به گزارش ایسنا و به نقل از آی‌ای، پس از تلاش‌های متعدد، آژانس پروژه‌های تحقیقاتی پیشرفته دفاعی ایالات متحده که معمولاً با نام «دارپا» شناخته می‌شود، تأیید کرد که بازیابی پهپاد x۱۶ از مجموعه پهپادهای خود موسوم به گرملینس (Gremlins) را در حال پرواز با موفقیت به پایان رسانده است.

در حالی که جزئیات این آزمایش فاش نشده است، «دارپا» گفته است که این ماموریت ماه گذشته در یک میدان آزمایشی در یوتا انجام شده است. داینتیکس ایکس ۱۶ گرملینس یک پهپاد آزمایشی آمریکایی است که توسط شرکت داینتیکس ساخته شده است.

هدف این است که هواپیماهای بدون سرنشین گرملینس بتوانند مستقیماً از هواپیماهای باری نیروی هوایی ایالات متحده پرتاب شوند، بازیابی شوند، دوباره مسلح شوند و مجددا بکار گرفته شوند. مسلح کردن مجدد این پهپادها شامل امکان افزودن محموله‌های جدید به پهپادهای بازیابی شده از جمله پهپادهای کوچک‌تر یا مهمات، قبل از بکارگیری آنها در ماموریت‌های جدید است. پهپاد گرملینس یک هواپیمای بدون سرنشین نیمه خودران(UAV) است که برای حمل طیف گسترده‌ای از محموله‌ها از جمله موارد مورد استفاده در جنگ الکترونیک که از راه دور کنترل می‌شود، طراحی شده است.

این پهپادها که از یک هواپیمای مادر پرتاب می‌شوند، مانند هواپیمای باری اصلاح شده هرکول ۱۳۰ ساخته شده‌اند تا به صورت گروهی عمل کنند و راه کم هزینه‌ای را برای درگیری با دشمنان در عین نزدیک شدن به خطوط دشمن ارائه دهند. بنابراین، بازیابی این پهپادها در هوا حیاتی است. این پهپادها اوایل سال جاری توسط دارپا آزمایش شدند، اما مرحله بازیابی این پهپادها با موفیت انجام نشد و با استفاده از چتر نجات روی زمین فرود آمدند. با این حال، روند بازیابی این بار کاملاً موفق بوده است.

سرهنگ دوم پل کالهون از دفتر فناوری تاکتیکی دارپا و مدیر برنامه گرملینس گفت: این پیشرفت در نتیجه سال‌ها سختکوشی به دست آمد و امکان بازیابی ایمن و قابل اعتماد در هوا را ممکن ساخت. چنین قابلیتی احتمالاً برای عملیات‌های هوایی در آینده حیاتی خواهد بود. بازیابی ایمن و موثر پهپادها به طور چشمگیری بُرد و استفاده بالقوه از پهپادها را افزایش می‌دهد. تیم دارپا پس از بازیابی توانست این پهپاد را برای یک ماموریت متفاوت در کمتر از ۲۴ ساعت احیا کند.

تاکنون امکان انجام چنین کاری وجود نداشت و پهپادها پس از انجام ماموریت خود در صورت اتمام سوخت با استفاده از چتر نجات به سلامت به زمین بازمی‌گشتند.

فیلم بازی

یک تکه نان

یک تکه نان فیلمی به کارگردانی کمال تبریزی، نویسندگی محمدرضا گوهری و تهیه‌کنندگی ناصر عنصری ساخته سال ۱۳۸۳ است. این فیلم در فروردین ۱۳۸۵ بر روی پرده رفته است.

کمال تبریزی در بیست و سومین دوره جشنواره فیلم فجر در بخش بهترین کارگردانی در قسمت سینمای معناگرا و مسابقه سینمای ایران موفق به دریافت سیمرغ بلورین مسابقات شد. همچنین اسماعیل خلج در بخش بهترین نقش دوم مرد مورد تقدیر قرار گرفت.همچنین این فیلم در نهمین دوره جشن خانه سینما (۱۳۸۴) در بخش بهترین نقش دوم مرد (اسماعیل خلج) نیز کاندیدای مسابقات بوده‌است. یک تکه نان داستان یک جوان ساده است که در لباس سربازی است که همراه یک پیر مرد معتمد مردم که دارای غرور و بد اخلاق است برای دیدن پیرزنی به صورت معجزه آسایی توسط جوانی قرآن را حفظ شده به روستایی میروند که در مسیر ماجراهایی رخ می‌دهد.

روزنامه‌بازی

روزنامه کیهان – ۲۰ آبان ۱۳۵۸

دادگستری امریکا مامور رسیدگی به ویزای ۶۰ هزار دانشجوی ایرانی شد

آتش بس کردستان نزدیک است

برای آزادی بی قید و شرط گروگان‌ها

امام تقاضای پاپ را نپذیرفت

کیهان ۱۲ صفحه

ترکیب تازه دولت تا ۳ روز دیگر اعلام می‌شود

«امام تقاضای پاپ را نپذیرفت»؛ تیتر اول کیهان یک هفته بعد از تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام، مربوط به درخواست آزادی بی قید و شرط گروگان‌های آمریکایی از ایران بود.

این روزنامه نوشت که گروگانهای آمریکایی از کارتر رئیس جمهور آمریکا، خواسته بودند شاه مخلوع (محمدرضا پهلوی) را تحویل ایران دهند اما کاخ سفید این درخواست را رد کرد. کیهان همچنین به نقل از امام خمینی نوشت: ما حاضریم شاه مخلوع را در حضور نمایندگان پاپ و حتی بدترین دشمن کارتر محاکمه کنیم. / ما مرد جنگی هستیم . آقای کارت ما را از مبارزه نترساند. / ما نه از اقدام نظامی می ترسیم و نه از محاصره اقتصادی.

چهره‌ها

هوشنگ کاوه؛ تهیه‌کننده و مدیر دوبله

هوشنگ کاوه (۱۳۰۵ بابل - ۱۳۹۲ سان فرانسیسکو) تهیه‌کننده، مدیر دوبله و مالک سینما عصر جدید در تهران، و از مردانی که در پایه‌ریزی صنعت سینمای ایران نقش مهمی داشت. وی تهیه‌کننده فیلم‌هایی چون جهان پهلوان، شکوه جوانمردی، مردانه بکش، صندلی الکتریکی و داش‌آکل بود.

هوشنگ کاوه اواخر دهه ۳۰ به عنوان مدیر برنامه سینما «دنیا» با هزار صندلی که از بهترین سینماهای تهران محسوب می‌شد مشغول به کار شد و در سال‌های ۱۳۴۰ - ۱۳۴۵ مدیریت گروه سینماهای «مولن روژ» را به عهده داشت، وی متخصص در ساخت آنونس و تدوین و تغییر داستان و نیز دوبلاژ فیلم‌های خارجی مخصوصا هنگام ممیزی بود. کاوه در سال ۱۳۷۳ دوره مدیریت سینما (که از قوانین جدید وزارت ارشاد بود) را طی کرد و در سال ۱۳۷۴ به عنوان پیشکسوت سینما در اولین دوره خانه سینما انتخاب شد، اولین دوره جشنواره منتقدان ایران نیز از هوشنگ کاوه تقدیر و تندیس ویژه خود را به وی اهدا کرده است. فعالیت‌های سینمایی هوشنگ کاوه تا سال ۱۳۸۸ ادامه داشته و سال‌های آخر حیات خویش را در آمریکا سکونت گزیده بود.

وی در تاریخ ۲۰ آبان ۱۳۹۲ خورشیدی در شهر سان فرانسیسکو در ایالات متحده آمریکا درگذشت.

لئوناردو دی کاپریو؛ بازیگر آمریکایی

لئوناردو ویلهلم دی‌کاپریو بازیگر و تهیه‌کننده آمریکایی است. لئوناردو، در ۱۱ نوامبر ۱۹۷۴ در شهر لس آنجلس در ایالت کالیفرنیا متولد شد. پدرش جورج دی‌کاپریو نویسنده کتاب‌های کمیک و بازیگر-تهیه‌کننده فیلم‌های طنز و مادرش ایرملین ایندربرکن و مادربزرگش هلنا ایندربرکن است. اجداد لئوناردو اهل ایتالیا و آلمان بودند. دی کاپریو کار خود را با حضور در تبلیغات تلویزیونی آغاز کرد. او به خاطر نقش‌آفرینی در فیلم‌های مشهور و موفق‌هالیوود همچون دار و دسته‌های نیویورکی، تلقین، تایتانیک، جزیره شاتر و گرگ وال استریت شهرت بسیاری کسب کرده‌است. وی تا به حال ۶ بار نامزد دریافت جایزه اسکار شده که برای اولین بار در سال ۲۰۱۶ برای فیلم بازگشته موفق به کسب جایزه بهترین بازیگر نقش اول مرد شد. وی در سپتامبر ۲۰۱۴ به سمت سفیر صلح سازمان ملل متحد و نماینده این سازمان در امور تغییرات جوی برگزیده شد.